

دریافت مقاله: ۱۳۸۴/۸/۱۰

پذیرش نهایی: ۱۳۸۵/۱/۲۲

انحراف اجتماعی جوانان در آینه پژوهش‌ها (نمونه‌ای از کاربرد فن تحلیل ثانوی)

مسعود گلچین*

چکیده

مقاله حاضر، پیرامون این سؤال مهم می‌باشد که رفتار انحرافی و کجروی اجتماعی نوجوانان و جوانان تابع و مرتبط با چه عوامل و شرایطی است؟ در این نوشتار کوشش شده است تا سؤال مزبور با کاوش در پژوهش‌های انجام شده مرتبط با بزهکاری جوانان به کمک فن تحلیل ثانوی پاسخ داده شود. پژوهش‌های مذکور پس از غربالگری لازم به تعداد ۵۷ پژوهش محدود شدند و براساس ملاک‌های شکلی و محتوایی از پیش تعیین شده‌ای، مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفتند و در مجموع ۱۲ پژوهش برای ارزیابی نهایی انتخاب شد. در این پژوهش‌ها در مجموع ۹۶۵ دختر و ۲۴۵۹ پسر و بر روی هم جمعیتی بالغ بر ۳۴۲۴ نفر مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. این امر، ارزش این مطالعه و نتایج حاصل از پژوهش‌های مزبور را بیشتر معلوم می‌سازد. نتایج نشان می‌دهد: (۱) کجروی و بزهکاری نوجوانان تحت تأثیر یا در رابطه با عواملی همچون جنس، سن، پایگاه اجتماعی خانواده، درجه مذهبی بودن والدین، میزان تماس افراد با دوستان کجرو، عضویت در گروه‌های بزهکاری، وضعیت تحصیلی، میزان تعلق به مدرسه، میزان شرکت والدین در جلسات انجمن اولیاء و مربیان است. (۲) متغیرهایی که بیشترین تکرار و تأیید را در ارتباط با ایجاد، زمینه‌سازی و تقویت رفتار انحرافی و بزهکاری نوجوانان داشته‌اند به ترتیب عبارتند از: پایگاه اقتصادی - اجتماعی، میزان ارتباط نوجوان با گروه دوستان ناهمنوا و تمایل و عضویت در آن گروه‌ها، نوع و میزان نظارت و کنترل والدین بر رفتار نوجوانان و میزان گسیختگی و نابسامانی خانواده. (۳) تقریباً در همه انواع کجروی، پسران بیش از دختران مرتکب رفتار انحرافی شده‌اند.

واژگان کلیدی: انحراف، جرم، ناهمنوایی، کجروی، بزهکاری، آسیب اجتماعی، جوانان و نوجوانان.

* عضو هیئت علمی گروه جامعه‌شناسی دانشگاه تربیت معلم / msd_golchin@hotmail.com

مقدمه

«اگر اجازه دهیم اعمال بی سابقه نسل های جوان تر ما ادامه یابد، تمدن و فرهنگ ما محکوم به نابودی است»

این یک سخن مصلح اجتماعی یا فرد فرهیخته مذهبی در روزگار ما نیست، بلکه گفتاری است بر یک لوحه باستانی متعلق به ۳۵۰۰ سال قبل از میلاد مسیح در شهر اور که یکی از مراکز تمدن سومری بوده و به گفته تورات، زادگاه ابراهیم نبی است (لاور، ۱۳۷۳: ۱۷۹).

گفتار نقل شده در لوحه باستانی سومری ها یادآور این نکته است که افراد جوان هر جامعه ای دست کم به دلیل داشتن شرایط جسمی و روانی خاص بیش از دیگران مستعد عصیان و سرکشی و بعضاً کجروی و بزهکاری هستند. قدمت و ریشه دار بودن این پدیده در تاریخ بشر و تداوم آن در طول نسل های متمادی همچنین مؤید این معناست که نباید به جوانان یک جامعه با نگاه آسیب شناختی نگریست، به ویژه نسل جوان جامعه ما که در مقطع حساسی از تحول تاریخی این مرز و بوم قرار دارند و سهم بزرگ و فزاینده ای از جامعه ما را به خود اختصاص می دهند. تصور جوانان به عنوان افرادی بالقوه منحرف و خطرناک که باید به هر نحو ممکن مهار شده یا آن ها را سرگرم کرد، صرف نظر از نادرستی آن، ما را از این حقیقت مهم باز می دارد که نقش تاریخ ساز آنان در دوره انقلاب و جنگ تحمیلی چه بوده است و هم از این حقیقت بزرگتر و ارزشمندتر غافل می سازد که بدون مشارکت، همدلی و همراهی آن ها هرگونه برنامه اصلاح اجتماعی در زمینه های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ناکام خواهد ماند. بینش نادرست به افراد جوان جامعه با توجه به ساختار سنی جوان جامعه ما باعث شده است که گاه در اندیشه، گفتار و عمل برخی از افراد، نوجوانان و جوانان به عنوان موجوداتی مزاحم و در مواردی رشد نیافته، فاقد اختیار و ادراک کافی پنداشته شوند. به نظر می رسد، وقتی از فراسوی قرن ها و هزاره ها با نگاه به لوحه سومری ها درباره جوانان می اندیشیم، پیام نهفته در لوح مزبور آن باشد که به جای این گونه بینش و در نظر گرفتن جوانان به عنوان یک انرژی انباشته شده خطرناک که هر لحظه می تواند همچون نیروی نهفته در گسل های زمین، زمین لرزه ای ویرانگر و غیره منتظره را ایجاد کند، بهتر است بخشی از اعمال آن ها را در چارچوب موقعیت سنی شان، تفاوت نسل ها و شرایط ساختاری جوامع به ویژه جامعه در حال تحول و پرفراز و نشیب ایران تفسیر کرده و به جای رویارویی با جوانان از موضعی بالاتر یا ایستادن در برابر آن ها، با شناخت هر چه بیشتر،

انحراف اجتماعی جوانان در آیین پژوهش‌ها

زمینه‌های انحراف و کجروی‌اشان از طریق انجام پژوهش‌های علمی متنوع، اصلاح کاستی‌ها و برطرف ساختن موانع، نیروی آن‌ها را برای سازندگی جامعه به مشارکت واقعی طلبید. به عبارت دیگر، لازم است، رویکرد علمی، پژوهشی، همدلانه و عدالت‌جویانه جایگزین رویکرد آسیب‌شناختی نسبت به آنان گردد.

در این راستا پژوهش^۱ حاضر بر آن است تا عوامل و زمینه‌های شکل‌گیری رفتار انحرافی، کجروی، ناهمنوایی اجتماعی، بزهکاری و نهایتاً جرم به ویژه در محدوده سنی نوجوانی و جوانی را به کمک نمونه‌های برگزیده، برجسته و دست‌کم قابل توجهی از مطالعات و پژوهش‌های انجام شده در حوزه آسیب‌شناسی اجتماعی^۲، مجدداً بررسی نماید.

سؤال‌های تحقیق

- ۱- پژوهش‌های انجام شده به سؤال اصلی تحقیق (عوامل مؤثر بر کجروی و بزهکاری نوجوانان کدامند؟) چه پاسخی داده‌اند؟
- ۲- براساس پژوهش‌های مورد بررسی، اولویت علل ایجادکننده انحراف و بزهکاری نوجوانان و جوانان و فراوانی تئوری‌ها و مفاهیم نظری به کار رفته در پژوهش‌های مزبور چگونه است؟
- ۳- براساس این پژوهش‌ها، ترتیب و توزیع رفتار بزهکارانه و کجروانه در میان دختران و پسران و برحسب متغیرهای گوناگون چگونه است؟ یافته‌های مشترک و متفاوت پژوهش‌های مزبور در زمینه مورد بحث کدامند؟

چارچوب نظری تحقیق

بر خلاف رویکردهای فردگرایانه زیست‌شناختی و روان‌شناختی، جامعه‌شناسان اغلب رفتار انحرافی را خارج از ویژگی‌های فردی دیده و بر زمینه‌های گروهی متمرکز شده‌اند.

۱. این مقاله برگرفته شده از پژوهشی است که توسط نویسنده در سال ۱۳۸۱ تحت عنوان انحراف اجتماعی جوانان در آیین پژوهش‌ها انجام شد.

۲. نگاه کنید به بخش «نوع تحقیق».

جامعه‌شناسان معتقدند که میزان قابل توجهی از جرم و جنایت و رفتار انحرافی ماهیت اجتماعی داشته و به نهادها و سازمان‌های اجتماعی وابسته‌اند. آن‌ها بر روابط درونی میان هم‌نوابی و انحراف در زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی متفاوت تأکید داشته و اغلب به پدیده جرم و جنایت و بزهکاری به عنوان امری نسبی می‌نگرند. زیرا به خصوص جوامع مدرن، حاوی تعداد زیادی خرده فرهنگ‌های متفاوت هستند و رفتاری که نسبت به موقعیت خرده فرهنگی خاص هم‌نوا تلقی می‌شود، ممکن است در زمینه‌های خرده فرهنگی دیگر به عنوان رفتاری انحرافی شناخته شود (گیدنز، ۱۳۷۳: ۱۳۹).

تئوری‌های جامعه‌شناختی در این تحقیق، براساس طبقه‌بندی "هاگان"^۱ از نظریات جامعه‌شناسی انحراف، به سه رویکرد تقسیم شده است که عبارتند از: ۱- رویکرد کارکردی - ساختی ۲- رویکرد کنش متقابل نمادین ۳- رویکرد تضاد.

تئوری‌های کارکردگرایی ساختاری بر روی نهادهایی مانند خانواده و مدرسه که به اجتماعی کردن افراد به منظور هم‌نوا کردن رفتار آن‌ها با ارزش‌های اصلی جامعه می‌پردازند، تمرکز می‌کند. این نظریه‌ها به این مسئله می‌پردازند که چرا برخی از افراد از طریق انجام رفتارهای انحرافی به مقابله با توافقات جمعی می‌پردازند؟ چرا بعضی از افراد از ارزش‌هایی که برای اکثریت جامعه مهم است، سرپیچی می‌کنند؟ نظریه‌های یادگیری اجتماعی، کنترل، بی‌سازمانی اجتماعی، فرصت‌های متفاوت، خرده فرهنگی و آنومی که زیر مجموعه این رویکرد می‌باشند، به این سؤالات به شیوه‌های متفاوت پاسخ می‌گویند (هاگان، ۱۹۹۴: ۳۲).

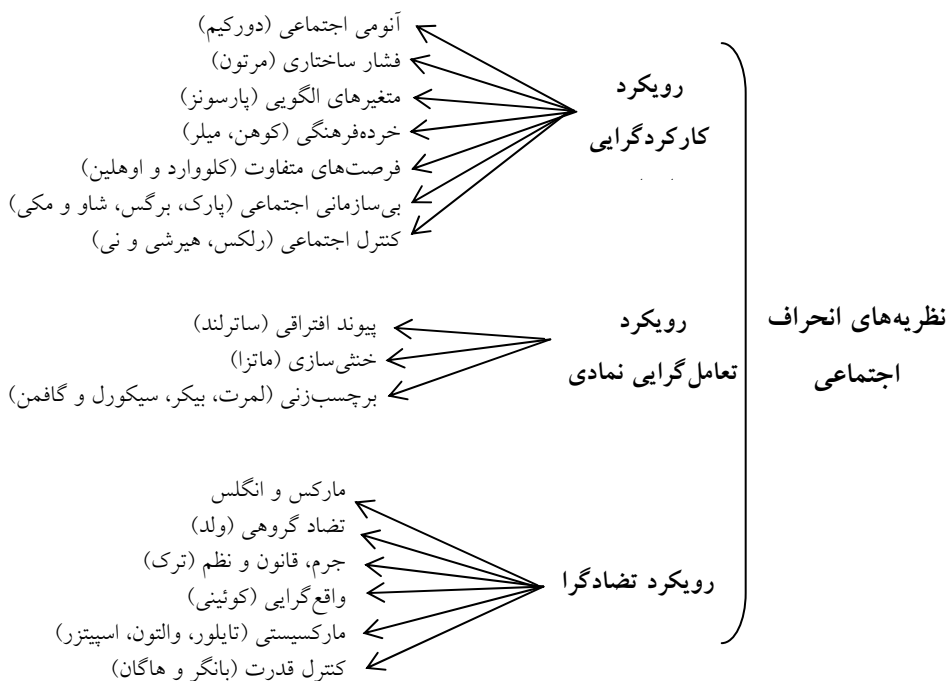
از نظر تعامل‌گرایان، کجرو یا منحرف به کسی اطلاق می‌شود که از جانب سایر افراد جامعه مورد مؤاخذه قرار گرفته باشد. این دیدگاه به فرد کجرو، انگیزه‌ها، فشارها و تعامل بین او و کسانی که وی را منحرف قلمداد می‌کنند، توجه دارد. تعامل‌گرایان، چگونگی و عللی که اشخاص و گروه‌ها منحرف دانسته می‌شوند را مورد بررسی قرار می‌دهند (گیونز^۲، ۱۹۹۲: ۱۷۱). تئوری‌های کنش متقابل نمادین رفتار انحرافی، از تأکید بر ارزش‌ها به تأکید بر معناها و تعاریف برای تبیین رفتار انحرافی تغییر جهت داده‌اند و در مواردی برخی از آن‌ها، از این امر پافراتر گذاشته و توجه اصلی‌شان را از تأکید بر معناها و تعاریف کسب شده جهت انجام

1. Hagan
2. Givvons

انحراف اجتماعی جوانان در آیینۀ پژوهش‌ها

رفتارهای انحرافی توسط منحرفان به طرف تمرکز بر نقش‌هایی که عاملان رسمی کنترل اجتماعی در تحمیل معانی و تعاریف نمادین رفتار انحرافی بر افراد بازی می‌کنند، تغییر داده‌اند (هاگان، ۱۹۹۴: ۴۰).

سرانجام رویکرد تضادگرا که به نوعی با نظریه‌های برچسب‌زنی ارتباط دارند، اغلب روی نقش گروه‌های اجتماعی مسلط در تحمیل برچسب‌های قانونی بر اعضای گروه‌های اجتماعی حاشیه‌ای تمرکز می‌کنند و سعی دارند به این سؤال جواب دهند که چرا و چگونه این اتفاق می‌افتد (هاگان، ۱۹۹۴: ۴۵). در این تئوری‌ها، نابرابری و ظلم به عنوان علل بزهکاری دانسته شده است. به عقیده هاگان، اگرچه نظریه‌پردازان خرده‌فرهنگی و بی‌هنجاری و همچنین صاحب‌نظران دیدگاه‌های بوم‌شناختی به نوعی به تضاد طبقاتی و متغیرهای اقتصادی و سیاسی در بروز رفتارهای انحرافی تأکید داشته‌اند، اما در هیچ یک از این نظریات به طور خاص بر ظلم، سلطه و تأثیر طبقات در بروز رفتار انحرافی تأکید نشده است (بنگرید به نمودار شماره ۱).



نمودار شماره ۱. طبقه‌بندی هاگان از نظریه‌های انحراف اجتماعی

بنابر آنچه گفته شد طبقه‌بندی هاگان بر محور بودن نقش ارزش‌ها، چگونگی انتشار آن‌ها، نحوه تبعیت و تخلف از آن‌ها یا بر نقش معانی و تعاریف در کنش متقابل اجتماعی و چگونگی شکل‌گیری برچسب جرم و مجرم و انتساب آن به افرادی خاص یا بر زمینه‌های ظلم و ستم و نابرابری در جامعه و نتایج آن در خصوص مجرم شدن یا مجرم دانستن برخی از افراد تأکید می‌کند.

فرضیه‌های منتخب^۱

در این جا مهم‌ترین فرضیه‌هایی که از نظریه‌های ذیل رویکردهای سه‌گانه قابل استخراج هستند، ذکر می‌شوند. به منظور سهولت جداسازی و تجزیه و تحلیل هر مجموعه از فرضیه‌ها در قالب رویکردهای سه‌گانه کارکردی ساختاری، تعامل‌گرای نمادی و تضادگرا و نظریه‌های مرتبط با آن‌ها، فرضیه‌های قابل استخراج از آن‌ها جداگانه آمده است.

۱- رویکرد کارکردی - ساختاری

الف - نظریه انومی اجتماعی

- هرچه انسجام یا اجماع عوامل اجتماعی‌کننده نوجوان (خانواده، گروه دوستان، مدرسه) بر سر ارزش‌ها و هنجارهای عام اجتماعی کمتر باشد، احتمال بزهکاری نوجوان بیشتر است.

ب - نظریه فشارهای ساختاری

- هرگاه بین انگیزه‌ها و اهداف پذیرفته شده (مورد تأیید و تبلیغ) جامعه یا ارزش‌ها، آرمان‌ها و هنجارها، واقعیت اجتماعی یا شیوه‌ها و وسایل نیل به اهداف و ارزش‌ها به طور گسترده، عدم تناسب وجود داشته باشد، وضعیت آنومیک پدید آمده و در نتیجه آن، فشاری بر افراد وارد می‌شود که آن‌ها را به سوی انواع رفتارهای انحرافی سوق می‌دهد.

۱- برای اطلاع بیشتر از نظریه‌هایی که مبنای استخراج فرضیه‌های مزبور بوده‌اند نگاه کنید به: مساواتی آذر، ۱۳۷۴؛ مور، ۱۳۷۶؛ دورکیم، ۱۳۴۳؛ گیدنز، ۱۳۷۳؛ رفیع‌پور، ۱۳۷۸؛ توسلی، ۱۳۶۹؛ روشه، ۱۳۶۹؛ صفوی، ۱۳۷۹؛ اشرف، ۱۳۵۵؛ احمدی، ۱۳۷۷؛ گسن، ۱۳۷۰؛ رابرتسون، ۱۳۷۲؛ کی‌نیا، ۱۳۷۰؛ کوئن، ۱۳۷۰؛ استارک و همکارانش، ۱۳۵۶؛ صدیق، ۱۳۸۵؛ استونز، ۱۳۷۹؛ Haralambos, 1984; Miller, 1980.

انحراف اجتماعی جوانان در آیین پژوهش‌ها

- در طبقات پایین، نوعی از رفتار ناهمنوا که مستلزم عدم پذیرش هنجارهای عام به عنوان وسایل مشروع نیل به اهداف است و متضمن پیش گرفتن وسایل و ابزارهای جدید نیل به اهداف می‌باشد، بیشتر دیده می‌شود.

ج - نظریه متغیرهای الگویی

- هرچه نوجوان در انجام وظایف و نقش‌های محوله به منافع صرفاً شخصی خود توجه داشته باشد، احتمال منحرف شدن او بیشتر خواهد بود.
- چنانچه جهت‌گیری عمومی کنش‌های کنشگران حاضر در محیط‌های عضویت (خانواده) یا محیط‌های مرجع نوجوان (دوستان و ...) بیشتر بر مبنای جهت‌گیری خودمدارانه و جمع‌ستیزانه باشد، احتمال بروز کجرفتاری در نوجوان بیشتر خواهد بود.

د - نظریه خرده‌فرهنگی

- رفتار انحرافی یا جرم با خرده‌فرهنگ‌های خاص گروه‌ها و طبقات اجتماعی به طور مشخصی ارتباط دارد.
- در هر جامعه‌ای، خرده‌فرهنگ‌های بزهکاری وجود دارد که ارتباط نوجوانان و جوانان با آن‌ها احتمال بروز رفتارهای انحرافی و ضد اجتماعی را در میان این قشر (گروه) از جامعه افزایش می‌دهد.
- به نظر می‌رسد، دوستان و گروه‌های همالان بزهکار می‌توانند بیشترین همبستگی را با رفتار بزهکارانه جوانان و نوجوانان داشته باشند.

هـ - نظریه فرصت‌های متفاوت

- هرچه ساختار فرصت‌های غیرقانونی بازتر باشد، بزهکاری در میان جوانان طبقه پایین برای دسترسی به موقعیت‌های اقتصادی - اجتماعی بهتر، بیشتر است.

و - نظریه بی‌سازمانی اجتماعی (بوم‌شناختی)

- وجود بی‌سازمانی اجتماعی در حوزه‌های درونی شهرهای تجاری و صنعتی باعث توسعه ارزش‌ها و سنت‌های بزهکارانه و جنایی می‌شود.

ز - نظریه کنترل اجتماعی

- بین میزان احساس تعلق و وابستگی جوانان و نوجوانان به الزامات و قید و بندهای اجتماعی حاکم بر نهادها، سازمان و گروه‌های مختلف جامعه و بزهکاری جوانان رابطه وجود دارد. به عبارت دیگر هر قدر میزان تعلقات خاطر و تقیدات فرد به هنجارها، قواعد و رسوم جامعه ضعیف‌تر باشد آمادگی فرد برای ارتکاب اعمال انحرافی بیشتر است.

- نوع و میزان کنترل اجتماعی اعمال شده از سوی خانواده و مدرسه با نوع و میزان انحراف و بزهکاری نوجوانان و جوانان ارتباط دارد.

۲ - رویکرد کنش متقابل نمادین

الف - نظریه پیوند افتراقی

اگر نوجوانان در جریان جامعه‌پذیری طغیان و تخطی از هنجارها را بیاموزند، به سوی رفتار انحرافی کشیده خواهند شد.

ب - نظریه خنثی‌سازی

- هر قدر فرد به ارزش‌های نهایی (با ارزش بودن خشونت و پرخاش‌جویی، شجاعت و دلاوری، هیجان‌طلبی و فعالیت شدید بدنی، بی‌توجهی به برخی معیارها و استانداردهای اجتماعی و ...) اهمیت بیشتری دهد (مانند جوانان که هم علاقه و هم زمینه مساعد اجتماعی این کار را دارند) بیشتر مستعد بزهکاری خواهد بود.

- هر قدر افراد بهتر و بیشتر از هم‌نشینان خود بیاموزند و تحت تأثیر شدت دلهره و نیاز به بازسازی شخصیت و خلاقیت انسانی، اراده ارتکاب بزهکاری بیشتری را دارا باشند، احتمال بروز رفتارهای انحرافی و بزهکارانه از آن‌ها بیشتر خواهد بود.

ج - نظریه برجسب‌زنی

- قبول رسمی یا غیررسمی انحراف درباره فرد، موجب رفتار متفاوت یا نامناسب دیگران نسبت به او می‌شود و در نتیجه بیش از آن که فرد را از شکستن هنجارها باز دارد، موجب افزایش تمایل او به شرکت در گروه‌های منحرف و ایفای نقش‌های انحرافی می‌گردد (تبدیل انحراف اولیه به انحراف ثانویه).

۳- رویکردهای تضادگرا

- نابرابری و ظلم علت بزهکاری است.

الف - نظریه تضاد گروهی

- از نظر طبقه مسلط رفتار دیگر گروه‌ها جرم تلقی می‌شود.

- جرم و بزهکاری رفتار گروه اقلیت است.

ب - نظریه جرم، قانون و نظم

- از طریق یک فرایند یادگیری، قدرت طبقه مسلط تحمیل می‌شود، در نتیجه طبقه مسلط،

نقش‌های اجتماعی سلطه‌جویانه، تصمیم‌گیرنده و برچسب‌زننده را یاد می‌گیرند و اعضا طبقه

پایین یا آن‌ها که موضوع قانون‌گذاری هستند (مجرمان و بزهکاران) اقتضانات نقش و پایگاه تازه

بزهکار و مجرم‌بودن را می‌آموزند.

- فقرا و غیرسفیدپوستان، حداقل قدرت را دارا هستند، لذا انتظار می‌رود که بالاترین میزان

جرم را داشته باشند.

ج - نظریه واقع‌گرایی اجتماعی

- در بخش‌هایی از جامعه که رفتارها به طور خاص و تفصیلی تعریف نشده است، احتمال

این که رفتار برخی از گروه‌ها انحرافی تلقی شود، زیاد است.

د - نظریه‌های مارکسیستی

- انحراف تعریفی است که طبقه حاکم از راه برچسب‌زنی بر رفتارهای دو گروه اجتماعی

(به عنوان گروه‌های مسئله‌ساز) که منحصراً قادرند در جوامع سرمایه‌داری موجود، شیوه‌ها،

شرایط و الگوهای تولید و مصرف و ایدئولوژی خاص آن را زیر سؤال ببرند، وارد می‌سازد.

ه- نظریه کنترل قدرت

- وضعیت اجتماعی زنان ایجاب می‌کند که جرایم آن‌ها نسبت به مردان کمتر باشد.

- وجود آزادی (قدرت) و نبود نظارت (کنترل) شرایط مستعدکننده بروز رفتار انحرافی را

در افراد جامعه به ویژه جوانان و نوجوانان پدید آورده و تقویت می‌کند.

- مردان آزادتر از زنان برای انجام انحراف هستند.

- زنان طبقات بالا نسبت به زنان طبقات پایین برای انجام انحرافات آزادتر هستند.

- دختران بیشتر از ارتکاب رفتار انحرافی بازداشته می‌شوند تا پسران و این تأثیر بیشتر از

طریق کنترل مادران است تا پدران.

– هر چه فرد احتمال نظارت و تهدید را بیشتر بداند، احتمال ریسک و رفتار بزهکارانه او پایین می‌آید و بالعکس. در نتیجه، تفاوت در میزان جرم و بزهکاری بین دختران و پسران در خانواده‌های پدرسالار بیشتر از خانواده‌های مساوات‌گرا و مادرسالار است.

متغیرهای تئوریک منتخب

متغیرهایی که در این قسمت ذکر می‌شوند، از فرضیه‌های منتخب اخذ شده‌اند تا در نهایت با استفاده از آن‌ها، متغیرهای به کار رفته در پژوهش‌ها، تئوری‌ها و رویکردهای مرتبط با آن‌ها مورد تحلیل ثانوی قرار گیرد. به طور کل می‌توان گفت، این متغیرها و عوامل با ایجاد، زمینه‌سازی، تشدید و بالا بردن شانس یا احتمال بروز رفتار انحرافی، بزهکاری و جرم همبستگی دارند.

۱- مکتب کارکردی - ساختاری

الف - نظریه آنومی/آنومی اجتماعی: ضعف و گسیختگی چارچوب‌های ادغام اجتماعی در نهادها و گروه‌های اجتماعی‌کننده (خانواده، گروه‌های شغلی، مذهبی، تحصیلی و دوستان)، ضعف وجدان جمعی، مورد تردید قرار گرفتن ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی.

ب - نظریه فشار ساختاری: عدم انطباق انگیزه‌های منبعث از فرهنگ (ارزش‌ها و اهداف) با امکانات ارضاء آن‌ها (هنجارها و وسایل نیل به اهداف) برحسب موقعیت و منزلت اجتماعی فرد.

ج - نظریه متغیرهای الگویی: دستیابی به هدف از طریق الگوهای رفتاری عاطفه‌گرا، خاص‌گرا، کیفیت‌گرا، کل‌گرا و خودمدارانه.

د - نظریه خرده‌فرهنگی: متعلق بودن به خرده‌فرهنگ بزهکار؛ تمایل به تعلق داشتن به گروه همسالان بزهکار.

هـ - نظریه فرصت‌های متفاوت: میزان و نوع دسترسی افراد به فرصت‌های غیرقانونی و خلافکارانه؛ مسدود بودن ساختار فرصت‌های قانونی برای افراد جامعه به ویژه جوانان طبقات پایین و در مقابل دسترسی به ساختار فرصت‌های غیرقانونی جهت ارتقا وضعیت و پایگاه اجتماعی - اقتصادی خود.

و - نظریه بی‌سازمانی (بوم‌شناختی): مهاجرت افراد محروم جامعه به حاشیه‌ها و مناطق مرکزی و رو به تخریب؛ نوع و میزان کنترل اجتماعی اعمال شده از سوی خانواده و مدرسه.

۲- مکتب کنش متقابل اجتماعی

الف - نظریه پیوند افتراقی: قرار داشتن در معرض مناسبات، فرایند اجتماعی شدن و یادگیری اجتماعی مساعد با بزهکاری در خانواده، گروه دوستان و محیط پیرامون فرد؛ ارزش‌های نهانی (با ارزش بودن خشونت و پرخاشجویی، شجاعت و دل‌آوری، هیجان‌طلبی و فعالیت شدید بدنی، بی‌توجهی به برخی معیارها و استانداردهای اجتماعی؛ بی‌اثر ساختن اهمیت اخلاقی قوانین و نادیده گرفتن آن‌ها از طریق تکنیک‌های خنثی‌سازی.

ج - نظریه برچسب‌زنی: پیدایش درک منفی (به عنوان یک مجرم خطرناک از خود) در نتیجه انحراف ثانویه و برچسب وارد شده؛ خودبرچسب‌زنی؛ نتایج حاصل از برچسب‌های اتهام‌زنندگان.

۳- رویکرد تضادگرا

- تعلق به گروه اقلیت؛ تحمل قدرت طبقه مسلط از طریق فرایند یادگیری؛ قرار داشتن در زمره فقرا، غیرسفیدپوستان یا گروه‌های دارای حداقل قدرت (عضویت در گروه‌های قومی، نژادی و احتمالاً مذهبی اقلیت).

ج - نظریه واقع‌گرایی اجتماعی: برداشت‌ها و ادراکات بخش‌های صاحب قدرت در جامعه از

جرم.

د - نظریه مارکسیستی: ایجاد محدودیت برای طبقات محروم از طریق قانون جنایی؛ برچسب زدن طبقه حاکم به افراد فرودست جامعه.

هـ - نظریه کنترل - قدرت: وضعیت اجتماعی متقارن با جنس؛ وجود آزادی (قدرت) و نبود نظارت (کنترل)؛ موقعیت طبقاتی متقارن با جنس؛ ریسک‌پذیری؛ نوع خانواده (پدرسالار، مادرسالار، تساوی‌گرایانه).

روش‌شناسی تحقیق

روش این تحقیق منطبق بر فن تحلیل ثانوی داده‌های موجود به شیوه قیاسی است. در این شیوه، محقق با داشتن فرضیه‌های معینی به سراغ داده‌های موجود و پژوهش‌های انجام شده می‌رود و آن‌ها را در پرتو فرضیه‌های مورد نظر، مجدداً تحلیل و بررسی می‌کند.^۱ در اینجا، منظور از داده‌هایی که قبلاً گردآوری شده‌اند، "پژوهش‌های انجام شده در حوزه انحرافات و آسیب‌های اجتماعی و نتایج حاصله از آن‌ها" می‌باشد که با توجه به تئوری‌های بررسی شده در بخش نظری کار و فرضیه‌های مأخوذ از آن‌ها مورد نقد و ارزیابی قرار گرفته‌اند. به این ترتیب، تحقیق حاضر در زمره پژوهش‌های اسنادی و از نوع تحلیل ثانوی است که مبتنی بر نوعی فن تحلیل داده‌های موجود و نه گردآوری اطلاعات توسط محقق می‌باشد. جامعه آماری در این پژوهش شامل تمامی تحقیقات داخل کشور (اعم از پایان‌نامه‌های دانشجویی لیسانس و بالاتر یا طرح‌های تحقیقاتی مؤسسات مختلف پژوهشی و اجرایی) است که واجد صفات زیر بوده‌اند:

- ۱- پرداختن پژوهش به انحراف، کجروی، بزهکاری، جرم و نابهنجاری‌های اخلاقی و رفتاری در محدوده سنی نوجوانان و جوانان.
 - ۲- داشتن نگرش عام و گسترده به مسئله یا موضوع کجروی و بزهکاری.
 - ۳- انجام شدن تحقیق در طول دو دهه ۶۰ و ۷۰.
- در این پژوهش به منظور ایجاد پوشش هر چه بیشتر نسبت به منابع مورد نظر به کتابخانه‌ها و منابع زیر مراجعه شد.
- الف - کتابخانه‌های دانشگاهی ب - بخش‌های پژوهشی سازمان‌های بهزیستی، زندان‌ها، وزارت کشور، کانون اصلاح و تربیت، صدا و سیما، جمهوری اسلامی، وزارت آموزش و پرورش، ستاد مبارزه با مواد مخدر. ج - بانک‌های اطلاعاتی.
- در چند نوبت فهرست‌های نسبتاً مفصلی از پژوهش‌های انجام شده در حوزه آسیب‌شناسی، کجروی و جرم (بیش از ۱۰۰ مورد) تهیه شد که پس از غربالگری لازم به تعداد ۵۷ پژوهش

۱. بنگرید به بیکر، ۱۳۷۷: ۳۰۷.

انحراف اجتماعی جوانان در آیینۀ پژوهش‌ها

محدود شدند.^۱ سپس براساس ملاک‌های شکلی و محتوایی، مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفتند و در مجموع ۱۲ پژوهش برای ارزیابی نهایی انتخاب گردید.

به این ترتیب در این تحقیق، عملیات نمونه‌گیری خاصی صورت نگرفته است و می‌توان گفت اگر چه بنابر تمام شماری پژوهش‌های واجد شرایط هم نبوده، مقصود بررسی اکثریت هرچه بیشتر و ممکن از این تحقیقات بوده است که البته با توجه به تنگناهای بودجه‌ای، زمانی و در موارد بسیاری عدم امکان دسترسی به منابع موجود در شهرستان‌ها و مهم‌تر از همه تناسب نداشتن با اهداف و موضوع تحقیق حاضر، موارد فهرست شده، در حد پژوهش‌های گزارش شده در این تحقیق تقلیل یافته‌اند. در هر صورت آنچه فراهم آمده است، با توجه به حجم و تنوع کارهای بررسی شده، آنقدر از کفایت کمی و کیفی برخوردار است که بتوان مجموعه فراهم آمده را بازنمای نسبتاً کاملی از تحقیقات انجام شده داخلی در دوره معاصر در حوزه کجروی و بزهکاری نوجوانان و جوانان دانست.

همان‌طور که گفته شد شیوۀ اتخاذ شده برای انجام این پژوهش و تحلیل اطلاعات فن تحلیل ثانوی بوده است. بنابراین به منظور انجام نوعی فرایند ارزشیابی علمی پژوهش‌های فهرست شده، براساس ملاک‌های شکلی و محتوایی از پیش تعیین شده‌ای، ابتدا تحقیقات پذیرفته شده، مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفتند. مقصود از این ملاک‌ها نحوه و چگونگی پرداختن محقق به اجزاء شکلی و محتوایی^۲ تحقیق براساس گزارش نهایی آن بوده است. در هر مورد از ملاک‌های ارزشیابی برحسب کمیت و به ویژه کیفیت پژوهش انجام شده، داوری لازم

۱. برای مطالعه فهرست و مشخصات ۵۷ پژوهش بنگرید به گلچین، مسعود (۱۳۸۱) «انحراف اجتماعی جوانان در آیینۀ پژوهش‌ها»، مرکز تحقیقات و مطالعات و سنجش برنامه‌ای صدا و سیما.

۲. ملاک‌های شکلی شامل شیوۀ نگارش، نحوه فصل‌بندی، منابع مورد استفاده، کیفیت تایپ، داشتن چکیده و رعایت سلسله مراتب علمی و ملاک‌های محتوایی شامل نحوه بیان مسئله و ضرورت تحقیق، پیشینه تحقیق، توضیح کافی در زمینه تئوری‌ها، چارچوب نظری، فرضیه‌های تحقیق، روش نمونه‌گیری و حجم آن، مناسب بودن ابزار جمع‌آوری داده‌ها، بحث و نتیجه‌گیری، مناسب بودن سؤال‌های پرسشنامه، گسترش موضوع، ذکر تئوری‌های تحقیق، مناسب بودن تئوری‌های مطرح شده، مدل نظری، جامعه آماری، تعریف نظری و عملی متغیرها، روش‌های آماری و مناسب بودن آنها، پیشنهادات.

طی دو مرحله توسط دو نفر^۱ برحسب یک طیف ترتیبی پنج درجه‌ای از خیلی ضعیف تا عالی صورت گرفت.

سپس این تحقیقات براساس نمره حاصل از ارزیابی، رده‌بندی شده و حائزین رتبه عالی (۹۷ تا ۱۲۰ امتیاز^۲) به عنوان پژوهش برگزیده در نظر گرفته شدند. این دسته از پژوهش‌ها شامل ۱۰ مورد بودند که برای ایجاد تنوع بیشتر، براساس انتخاب تصادفی، ۲ مورد از تحقیقات رتبه خوب نیز به تعداد قبل افزوده شدند. در مرحله بعدی، محتوای ۱۲ پژوهش برگزیده، به منظور فراهم آوردن امکان مقایسه، تحلیل و جمع‌بندی این پژوهش‌ها و نتایج حاصل از آن‌ها براساس عناصر اساسی فرایند تحقیق در قالب ۱۰ جدول شامل مشخصات کلی و محتوایی خلاصه و ارزیابی شدند^۳. در نهایت، جمع‌بندی انتقادی، منظم و دسته‌بندی شده‌ای از پژوهش‌های برگزیده در قالب جداول گفته شده فراهم آمده است.

در کل روش ما در این مطالعه، تلخیص منظم، مقایسه و جمع‌بندی انتقادی پژوهش‌ها و داده‌های حاصل از آن‌ها برحسب انطباق متغیرهای پژوهشی بر متغیرهای تئوریک مأخوذ از دستگاه فرضیه‌های مبتنی بر نظریه‌های انحراف اجتماعی بوده است تا بتوان از خلال پژوهش‌های انجام شده به سؤالات اصلی و فرعی تحقیق حاضر به درستی پاسخ داد.

۱. شایان ذکر است، به منظور حفظ یکدستی و عینیت در مرحله ارزیابی، اولاً ملاک‌های فنی و آکادمیک رایج برای ارزیابی تحقیقات از پیش تعیین و تعریف شدند، سپس داوری توسط یک نفر کارشناس که با الگوی کار محقق در ارزیابی آشنا شده بود، انجام شد. در نهایت، کار ارزیابی و امتیازات داده شده توسط محقق، به همراه شناسنامه، فهرست و چکیده پژوهش‌ها، بازبینی، تکمیل و اصلاح گردید. در نتیجه وجود چارچوب مشخص ارزیابی و دو مرحله داوری و بازبینی مستقل، موجبات اعتبار و عینیت بیشتری را برای کار ارزیابی فراهم آورد.

۲. با توجه به وجود ۲۴ معیار ارزشیابی پنج درجه‌ای حداقل و حداکثر نمره احتمالی پژوهش بین ۰ تا ۱۲۰ قابل تغییر است که براساس ۵ رتبه از بسیار ضعیف (۰-۲۴)، ضعیف (۲۵-۴۸)، متوسط (۴۹-۷۲)، خوب (۷۳-۹۶) و عالی (۹۷-۱۲۰) درجه‌بندی شده‌اند.

۳. با توجه به زیاد بودن تعداد و حجم جداول مزبور جهت رعایت اختصار از ذکر آنها در این مقاله خودداری کرده و تنها به توضیح نتایج به دست آمده از آنها پرداخته شده است.

نتایج و یافته‌ها

۱- بخش توصیفی

۱-۱- جنسیت محقق و سال انجام تحقیق: از مجموع ۱۲ پژوهش برگزیده، ۱ مورد از آن‌ها توسط محقق زن و ۱۱ مورد باقی مانده به وسیله محققان مرد انجام شده است. این پژوهش‌ها تماماً در کمتر از ده سال اخیر از سال ۱۳۷۲ تا ۱۳۸۰ اجرا شده و بیشترین تعداد و نسبت پژوهش‌های مزبور ۵ مورد (۷۰٪) در سال ۱۳۷۸ به پایان رسیده است.

۲-۱- جهت‌گیری رشته‌ای پژوهش: از حیث جهت‌گیری پژوهشی یا رشته دانشگاهی محقق، اکثریت قریب به اتفاق آن‌ها ۱۱ مورد (۷۰٪) در حوزه جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی و تنها یک مورد در زمینه روان‌شناسی بزهکاری و جرم می‌باشد.

۳-۱- مقطع تحصیلی محقق: ۶ مورد (۵۰٪) از محققان پژوهش‌های برگزیده، کارهای خود را در قالب پایان‌نامه‌های دوره کارشناسی‌ارشد و نیمی دیگر در قالب طرح‌های پژوهشی ارائه داده‌اند. از آنجایی که معمولاً طرح‌های پژوهشی در مراکز مختلف دانشگاهی، تحقیقاتی و ... توسط افراد دارای تحصیلات بالاتر از کارشناسی انجام می‌شوند، می‌توان نتیجه گرفت که تمامی پژوهش‌های برگزیده توسط افراد دارای تحصیلات معادل کارشناسی‌ارشد صورت پذیرفته‌اند یا به عبارت دیگر در میان پژوهش‌ها، به طور مشخص از پایان‌نامه‌های دوره کارشناسی اثری دیده نمی‌شود.

۴-۱- محل انجام پژوهش: ۶ مورد از پژوهش‌های مورد بحث معادل ۵۰٪ از آن‌ها در تهران و همین مقدار در مراکز پژوهشی و دانشگاهی شهرستان‌ها یا بر روی نمونه‌ای برگرفته از اجتماعات غیرتهرانی انجام شده‌اند. گذشته از پژوهش‌های متعلق به نمونه‌های تهرانی، بیشترین نسبت پژوهش‌های برگزیده مربوط به شهر اصفهان (۴ مورد، ۳۳٪) می‌باشد که به نوبه خود رقمی قابل توجه است.

۵-۱- محل مشاهده پژوهش: ۱۲ مورد پژوهش برگزیده در مراکز پژوهشی و دانشگاهی مختلف مشاهده شده‌اند که در صورت لزوم می‌توان به آن‌ها در همین محل‌ها دسترسی پیدا کرد. بیشترین این موارد (۵ مورد، ۷۰٪) در مرکز آموزشی و پژوهشی سازمان زندان‌ها وجود دارند. بالا بودن نسبت پژوهش‌های مشاهده شده در مرکز اخیر که به همراه یک مورد پژوهش برگزیده موجود در کتابخانه ستاد مبارزه با مواد مخدر ۵۰٪ پژوهش‌های برگزیده را شامل

می‌شود، تا حد زیادی طبیعی و مورد انتظار است، زیرا اصولاً مراکز یاد شده عهده‌دار انجام و مدیریت یا دست کم نگهداری پژوهش‌های مرتبط با حوزه بزهکاری و انحرافات اجتماعی می‌باشند. در عین حال، تنها ۲ مرکز دانشگاهی (تهران و علامه) هرکدام با ۲ پژوهش برگزیده در جایگاه قابل تأملی قرار دارند.

۶-۱- دانشگاه یا مرکز انجام دهنده پژوهش: در مراکز انجام دهنده یا دست کم سفارش دهنده پژوهش‌های برگزیده، بیشترین نسبت متعلق به آموزش و پرورش (۳ مورد، ۲۵٪) می‌باشد که به دلیل سر و کار داشتن با نوجوانان و جوانان یعنی محدوده سنی مورد نظر در این طرح، طبیعی به نظر می‌رسد. سهم مراکز دانشگاه دولتی، ۴ مورد کار (۳۳/۳٪) که به همراه یک پژوهش متعلق به دانشگاه آزاد ۴۱/۶٪ می‌باشد. مراکز خاصی که با پدیده انحراف، بزهکاری و جرم نوجوانان سر و کار دارند، یعنی کانون اصلاح و تربیت و بخش آموزشی و پژوهشی سازمان زندان‌ها روی هم رفته در لیست پژوهش‌های برگزیده دارای ۴ مورد کار ۳۳/۴٪ می‌باشد که باز هم سهم بجا و قابل قبولی را نشان می‌دهند.

به طور کل مراکز دانشگاهی ۴۱/۶٪ و غیردانشگاهی ۵۸/۳٪ از پژوهش‌های برگزیده را سفارش یا انجام داده‌اند. البته باید توجه داشت که مجریان طرح‌های پژوهشی مراکز غیردانشگاهی مستقیم یا به طور غیرمستقیم، دانشگاه‌ها و تحصیل‌کردگان آن‌ها در قالب انجام پایان‌نامه یا طرح‌های پژوهشی بوده‌اند.

۷-۱- نوع انحراف مورد بررسی: از حیث عنوان یا موضوع مورد مطالعه در ۱۲ مورد پژوهش برگزیده یا به عبارت دیگر متغیر وابسته تحقیق‌های مزبور ۶ پژوهش (۵۰٪) با عنوان بزهکاری، ۳ پژوهش (۲۵٪)، هنجارشکنی و ۳ مورد باقی مانده (۲۵٪) پیرامون موضوعاتی از قبیل کجرفتاری، اعتیاد و تخریب اموال عمومی انجام شده‌اند.

به طور کل در این پژوهش‌ها در چارچوب متغیر وابسته مواردی همچون میزان جرم (انحرافات اجتماعی، بزهکاری)، خرابکاری یا گرایش به آن، هنجارشکنی، میزان هم‌نوایی نوجوان با ارزش‌ها و هنجارهای عام جامعه (رفتارهای ناهم‌نوا به طور کل، رفتار پرخاشگرانه، سرقت، تخریب اموال عمومی، ناهم‌نوایی تکانشی، ناهم‌نوایی عمومی، کلاهبرداری، سیگار کشیدن، ناهم‌نوایی فرهنگی، ایستادگی در مقابل حرف والدین و ایجاد مزاحمت تلفنی)، بزهکاری (بزهکاری به طور کل، سرقت و تقلب، پرخاشگری و تخریب، کجروی اخلاقی،

انحراف اجتماعی جوانان در آیین پژوهش‌ها

کجروی جنسی، کجروی فرهنگی، روابط نامشروع جنسی، قتل، دعوا و ایراد ضرب و جرح، استفاده، نگهداری، جابجایی و خرید و فروش مواد مخدر، گرایش جوانان به گروه‌های نابهنجار موسیقی و... و در قالب متغیرهای مستقل عواملی مانند از خودبیگانگی، بی‌هنجاری فرد، ارتباط فرد با گروه‌های منحرف، جداافتادگی، پایگاه اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی خانواده، متعلق بودن به مناطق نازل شهری، نوع خانواده (پدرسالار، مساوات‌گرا)، ساختار خانواده (بسامان یا نابسامان)، میزان تعهد اجتماعی، از هم‌گسختگی خانواده، نظارت اجتماعی، عدم نظارت کافی والدین بر رفتار فرزندان، ضدیت با قوانین، میزان بهره‌مندی از امکانات زندگی، میزان نظارت در محیط اجتماعی نوجوانان و جوانان، میزان و سطوح دینداری، جایگاه کنترل درونی و بیرونی، وجود فرصت‌های کنترل نشده برای نوجوانان، متعلق بودن به گروه‌های مهاجر شهری و جنسیت، سن، وضعیت تحصیلی، عوامل و متغیرهای آموزشی و... مورد بحث و بررسی قرار گرفته‌اند.

۸-۱- روش تحقیق و نوع ابزار جمع‌آوری داده‌ها: اکثریت پژوهش‌های برگزیده ۹ مورد ۷۵٪ از روش پیمایشی، ۲ مورد علی-مقایسه‌ای و ۱ مورد روش توصیفی استفاده کرده‌اند. شیوه جمع‌آوری اطلاعات در ۷۵٪ این پژوهش‌ها (۹ مورد)، پرسشنامه (به صورت خودگزارشی) و مابقی آن‌ها پرسشنامه همراه با مصاحبه بوده است. به این ترتیب، مشخص می‌شود که نوع روش تحقیق اتخاذ شده و شیوه خاص جمع‌آوری اطلاعات جنبه پنهانگر و در راستای جمع‌آوری اطلاعات کمی، قابل مقایسه و مناسب برای تحلیل‌های آماری بوده است. از آنجایی که اتخاذ روش‌ها و شیوه‌های کیفی، ژرفانگر، خلاقانه و ترکیبی برای مطالعه بزهکاری و کجروی و دست‌کم انواع خاصی از آن، مفید و حتی ضروری است، به نظر می‌رسد، پژوهشگران علاقمند به این حوزه در آینده لازم است به روش‌های فوق‌الذکر توجه بیشتری داشته باشند.

۹-۱- محل یا موقعیت جامعه آماری: ۵ مورد (۴۱/۶٪) از پژوهش‌های مزبور، جامعه آماری و نمونه خود را از مدارس و محیط‌های آموزشی انتخاب کرده‌اند. ۳ مورد (۲۵٪) از این پژوهش‌ها بر روی نوجوانان و جوانان زندانی و ۲ مورد در میان نوجوانان کانون اصلاح و تربیت انجام شده‌اند.

با توجه به این که کانون اصلاح و تربیت نیز در حقیقت زندان کودکان و نوجوانان به شمار می‌آید باید گفت جمعاً ۴۱/۷٪ از جامعه آماری پژوهش‌های مورد بحث بر روی جمعیت

نوجوانان بازداشت شده و اغلب دارای محکومیت صورت گرفته‌اند. ۲ مورد دیگر از تحقیقات به طور مشترک و مقایسه‌ای جامعه آماری و نمونه خود را از میان دانش‌آموزان و نوجوانان زندانی یا بازداشت شده، برگزیده‌اند که در یک مورد از این کارها تنوع بیشتری به جمعیت نمونه داده شده است و تعدادی از نوجوانان حاضر در محیط‌های پارک‌ها و خیابان‌ها نیز مورد مطالعه قرار گرفته‌اند.

از حیث جنسیت افراد پاسخگو و مورد مطالعه نیمی از پژوهش‌ها اختصاصاً به نوجوانان و جوانان پسر پرداخته‌اند و ۵۰٪ باقیمانده مشترکاً پسران و دختران را مورد مطالعه قرار داده‌اند. در مجموع تعداد دختران مورد مطالعه در نمونه‌های تحقیقات مزبور ۹۶۵ و تعداد پسران ۲۴۵۹ می‌باشد که بر روی هم جمعیتی بالغ بر ۳۴۲۴ نفر را شامل می‌شود. به طوری که مشاهده می‌شود، پژوهش‌های برگزیده مورد بررسی، در مجموع از تنوع موضوعی، روشی و به خصوص از حجم بالای نمونه مورد مطالعه برخوردارند که با توجه به این که حدود نیمی از آن‌ها از افراد حاضر در بازداشتگاه‌ها و زندان‌ها و نیمی دیگر از دانش‌آموزان دبیرستانی بوده‌اند، ارزش این مطالعه و نتایج حاصل از پژوهش‌های مزبور بیشتر معلوم می‌شود.

۱-۱-۱- رتبه پژوهش: سرانجام، همان‌طور که قبلاً نیز گفته شد، پژوهش‌های برگزیده، ۲ مورد حائز رتبه خوب (۸۷ و ۹۵ امتیاز) و ۱۰ مورد واجد رتبه عالی (حداقل ۹۷ و حداکثر ۱۱۶) می‌باشند. دارندگان رتبه خوب، ۱۹ پژوهش بوده‌اند که حائز حداقل ۷۳ و حداکثر ۹۵ امتیاز می‌باشند. ۲ مورد از این پژوهش‌ها به طور تصادفی همراه با تمامی ۱۰ مورد پژوهش واجد رتبه عالی به عنوان پژوهش‌های برگزیده نهایی انتخاب شدند.

۲- نتایج تحلیلی

۱-۲- عوامل مؤثر بر انحراف اجتماعی جوانان

برحسب یافته‌های پژوهش‌های برگزیده مورد بررسی، کجروی و بزهکاری نوجوانان تحت تأثیر یا در رابطه با عواملی همچون متغیرهای زیر می‌باشد:

الف - عوامل یا متغیرهای فردی: جنس؛ سن؛ محل تولد (شهرستانی یا تهرانی بودن)؛ نوع و سطح آرزوهای نوجوان برای آینده شغلی، تحصیلی و خانوادگی اش ...

انحراف اجتماعی جوانان در آیین پژوهش‌ها

ب - عوامل یا متغیرهای خانوادگی: پایگاه اجتماعی خانواده؛ سطح درآمد ماهیانه خانواده؛ میزان بهره‌مندی از امکانات زندگی؛ نوع مسکن؛ قیمت مسکن؛ سطح تحصیلات والدین؛ درجه مذهبی بودن والدین (در چهار بعد اعتقادات، عمل به مناسک، داشتن تجربه دینی، باور به اهمیت دین در زندگی)؛ متعلق بودن به گروه‌های مهاجر شهری؛ نحوه گذران اوقات فراغت والدین؛ میزان گسیختگی خانواده.

ج - عوامل یا متغیرهای مربوط به گروه دوستان: میزان تماس افراد با دوستان کجرو؛ عضویت در گروه‌های بزهکار؛ درجه ناهمنوایی موجود در محیط یا گروه مرجع نوجوان؛ مدت زمانی که نوجوان با دوستانش برای خیابانگردی صرف می‌کند؛ وضعیت گروه دوستان از نظر سنی، سابقه دستگیری، محکومیت، سیگاری و اهل دود و دم بودن؛ تعداد دوستان دستگیر شده؛ تعداد دوستان معتاد؛ تشویق دوستان فرد به انجام کار خلاف؛ دوستی با افراد غیرهمجنس.

د- عوامل یا متغیرهای مرتبط با تحصیل و محیط آموزشی: وضعیت تحصیلی؛ میزان سال‌های مردودی؛ غیبت غیرموجه از کلاس؛ فرار از مدرسه؛ میزان تعلق به مدرسه؛ شرکت نکردن در فعالیت‌های غیردرسی مدرسه؛ علاقه شدید به تعطیلی مدرسه؛ به اجبار والدین به مدرسه رفتن؛ تحت فشار بودن دانش‌آموزان از سوی محیط آموزشی؛ به حرف و تذکر مربیان آموزشی اهمیت ندادن ...

ه- متغیرهای مربوط به رابطه خانواده با مدرسه و گروه دوستان: میزان شرکت والدین در جلسات انجمن اولیاء و مربیان؛ میزان آگاهی والدین از زمان تعطیل شدن مدرسه و فعالیت‌های فوق برنامه مدرسه؛ میزان توافق یا تضاد ارزشی بین خانواده و مسئولین مدرسه؛ میزان آگاهی والدین از وضعیت دوستان و معاشین فرزندان.

۲-۲- عوامل انحراف اجتماعی نوجوانان به ترتیب اولویت

بحث از اولویت علل ایجادکننده بزهکاری نوجوانان یا متغیرهای مرتبط با کجروی و انحراف آن‌ها با دشواری‌های چندی روبرو است:

نخست آن که تنوع پژوهش‌های بررسی شده از حیث موضوع، نمونه مورد بررسی و شیوه خاص تحلیل یا نحوه گزارش داده‌ها چنان است که به سهولت و روشنی نمی‌توان علل و متغیرهای مرتبط با پدیده انحراف و بزهکاری نوجوانان را برحسب اولویت‌شان مرتب و

مشخص کرد. به عبارت دیگر، هریک از این تحقیقات، از زاویه‌ای به مسئله نگریسته‌اند و جنبه خاصی از آن را با شیوه‌های کم و بیش متفاوت مورد بررسی قرار داده‌اند.

مشکل دوم که نسبت به دشواری نخست، جنبه جدی‌تر و اساسی‌تری دارد، به ملاک اولویت برمی‌گردد. به بیان بهتر، دشواری که با آن روبرو هستیم، عبارت است از این که براساس چه ملاک و معیاری می‌توان علل و متغیرهای مرتبط با پدیده بزهکاری نوجوانان را رده‌بندی یا اولویت‌گذاری کرد. در پاسخ باید گفت، دست کم، سه طریق ممکن برای حل این مسئله وجود دارد.

الف - تعیین اولویت براساس فراوانی یا تکرار علت یا متغیری که در این پژوهش‌ها، مورد بررسی و نهایتاً تأیید قرار گرفته است.

به کارگیری ملاک «فراوانی یا تکرار علل یا متغیرها» در عین روشنی و وجاهت نسبی، می‌تواند دارای این نقص اساسی فرض شود که فقط محدود به ۱۲ پژوهش برگزیده می‌باشد و از همین رو امکان تعمیم آن به طور قاطع وجود ندارد. به بیان روشن‌تر، ممکن است، گفته شود که علل بنیادی‌تر و مهم‌تری بوده است که در پژوهش‌های برگزیده و نمونه‌های مشابه آن‌ها براساس گرایش‌ها و الگوهای رایج پژوهشی در جامعه علمی ما مورد بحث قرار نگرفته‌اند، مانند متغیرهایی که بیشتر مورد تأکید رویکردهای تضادگرا، رادیکال و انتقادی است و حتی، مانند برخی از شاخه‌های رویکرد تعاملی و ساخت‌گرا که به دلایل فوق‌الذکر و نیز دشواری‌ها و محدودیت‌های روش‌شناختی، اطلاعاتی و فنی کمتر مورد توجه قرار می‌گیرند. با وجود این، در پاسخ نهایی باید گفت از آنجایی که مطالعه حاضر محدود به پژوهش‌های اعتبارسنجی شده معینی است، چاره‌ای از تعیین اولویت‌ها براساس ملاک فراوانی نمی‌باشد. هرچند راه‌های دیگری پیش‌روی ماست که در ادامه به آن‌ها اشاره خواهیم کرد. در عین حال، شایان ذکر است که برگزیده و نمونه بودن پژوهش‌های مورد بحث و معتبر شناخته شدن آن‌ها، باعث اعتبار و کفایت نسبی ملاک فراوانی می‌شود. زیرا از یک سو، معتبر بودن پژوهش‌های برگزیده حاکی از درستی نسبی نتایج آن‌هاست و از سوی دیگر، نمونه بودن آن‌ها، دست کم نشانه قابلیت تعمیم نتایج به دست آمده در محدوده پژوهش‌های مشابه می‌باشد که البته غالب تحقیقات انجام شده در جامعه ما را شامل می‌شود.

انحراف اجتماعی جوانان در آیین پژوهش‌ها

برای دستیابی به نتیجه براساس ملاک فراوانی با مرور پژوهش‌های برگزیده، مراحل زیر طی شد.

۱ - ابتدا تمامی متغیرهایی که براساس پژوهش‌های برگزیده با رفتار انحرافی و بزهکاری نوجوانان مرتبط بودند شناسایی، فهرست و دسته‌بندی شدند

۲ - از آنجایی که تعداد متغیرها بسیار زیاد می‌شد، کوشیدیم تا در موارد غیرضروری ابعاد و اجزاء شاخص‌های مورد استفاده در پژوهش‌ها را به طور جداگانه در نظر نگیریم. بر همین اساس، تعداد ۷۴ متغیر و شاخص شناسایی شد که پس از شمارش دقیق فراوانی آن‌ها بیشترین فراوانی‌ها مربوط به متغیرهای زیر می‌باشد:

شیوه‌های تربیتی والدین (۵ مورد)؛ میزان ارتباط نوجوان با گروه دوستان ناهمنوا و تمایل و عضویت در آن گروه‌ها (۵ مورد)؛ میزان رسیدگی و توجه اولیاء آموزشی به نوجوان (۵ مورد)؛ آگاهی والدین از وضعیت (سنی، خانوادگی و تحصیلی) دوستان و معاشین فرزند (۴ مورد)؛ پایگاه اقتصادی - اجتماعی (۴ مورد)؛ جنس (۴ مورد)؛ بی‌هنجاری (گرایش‌ها و رفتارهای ضداجتماعی) (۳ مورد)؛ وجود ستیز و اختلاف میان والدین (۳ مورد).

با مرور متغیرهای فوق‌الذکر درمی‌یابیم که در این مرحله، بیشترین فراوانی‌ها به متغیرهای خانوادگی و گروه دوستان مربوط می‌شود.

اما در عین حال مشاهده می‌شود که بسیاری از متغیرهای به کار رفته در این پژوهش‌ها به نحوی با یکدیگر سنخیت داشته و قابل جای گرفتن در مقوله‌ها یا دسته‌های مشابه هستند. از همین‌رو، کار دسته‌بندی متغیرها پی گرفته شد و نتایج زیر به دست آمد.

متغیرهایی که بیشترین تکرار و تأیید را در ارتباط با ایجاد، زمینه‌سازی و تقویت رفتار انحرافی و بزهکاری نوجوانان داشته‌اند به ترتیب عبارتند از: پایگاه اقتصادی - اجتماعی (۱۶ مورد)، میزان ارتباط نوجوان با گروه دوستان ناهمنوا و تمایل و عضویت در آن گروه‌ها (۱۴ مورد)، نوع و میزان نظارت و کنترل والدین بر رفتار نوجوان (۱۳ مورد)، میزان گسیختگی و نابسامانی خانواده (۱۱ مورد).

توضیح این که مقوله پایگاه اقتصادی و اجتماعی خانواده، به طور مستقیم یا غیرمستقیم به تمامی یا بعضاً برخی از متغیرهای مربوط به پایگاه، حائز بیشترین فراوانی و تکرار شده است.

در مرتبه دوم، متغیر «ارتباط نوجوان با گروه دوستان ناهمنوا» نشان دهنده اهمیت موضوع ارتباط نوجوان با گروه دوستان و تمایل به آنها یا عضویت در گروه دوستان خلافکار است. دو متغیر بعدی دیگر که در مرتبه سوم و چهارم از لحاظ فراوانی قرار گرفته‌اند، در زمره عوامل خانوادگی مؤثر بر رفتار انحرافی و بزهکاری نوجوانان می‌باشند (نوع و میزان نظارت و کنترل والدین بر رفتار نوجوان؛ میزان گسیختگی و نابسامانی خانواده). بنابر این تا اینجا می‌توان گفت، برحسب فراوانی متغیرهای تأیید شده، ابعاد معینی از خانواده نوجوانان مانند پایگاه اقتصادی - اجتماعی آنها و نوع و میزان نظارت اعمال شده توسط والدین بر نوجوانان و درجه انسجام و گسیختگی خانواده در کنار میزان و نوع ارتباط و گرایش به دوستان ناهمنوا، مهم‌ترین متغیرهای تأثیرگذار بر بزهکاری و انحراف اجتماعی نوجوانان هستند و نسبت به سایر متغیرها از حیث تأثیرگذاری، یا تأییدشدگی در اولویت‌های نخست قرار می‌گیرند.

ب - متغیرهای تئوریک مورد استفاده (تأیید شده) در پژوهش‌های برگزیده به تفکیک رویکردها و مکاتب، نظریه‌پردازان و نظریه‌های مختلف

۱- بیشترین فراوانی استفاده از مکاتب و رویکردهای تبیین کننده انحرافات اجتماعی، ۱۱ مورد از ۱۲ پژوهش برگزیده متعلق به مکتب کارکردی - ساختاری می‌باشد و پس از آن به ترتیب دو رویکرد تعامل‌گرایی نمادی با فراوانی ۱۰ و رویکرد تضادگرا با فراوانی ۸ قرار دارند. البته بخش اعظم دو رویکرد تعامل‌گرایی نمادی و تضادگرا و حتی پاره‌ای از نظریه‌های مرتبط با مکتب کارکردی - ساختاری علیرغم اهمیت، جاهت و قدرت نسبی‌شان در تبیین پدیده انحراف اجتماعی به ویژه در تحلیل و تفسیر بنیادین، معناشناختی و تعاملی آن و همچنین در تحلیل موفقیت‌آمیز نسبتی که میان انحراف اجتماعی و پدیده‌هایی مانند نابرابری در حیثیت، ثروت و قدرت وجود دارد، به دلایلی همچون گرایش‌ها و الگوهای رایج پژوهشی در جامعه علمی ما، گرایش‌ها و مقتضیات سیاسی، ایدئولوژیک، هستی‌شناختی و نیز دشواری‌ها و محدودیت‌های روش‌شناختی، اطلاعاتی و فنی، اساساً مورد توجه قرار نگرفته یا به ندرت به کار رفته‌اند. همچنین فراوانی‌های به دست آمده، عمدتاً متعلق به تئوری‌های خاصی در قالب هر یک از رویکردها بوده‌اند. که در ادامه به آنها اشاره خواهیم کرد.

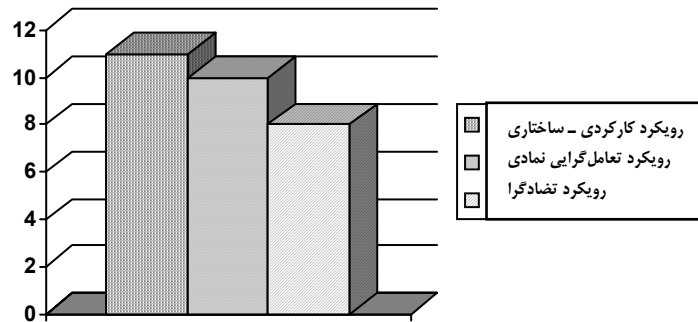
۲- در رویکرد کارکردی - ساختاری، بیشترین فراوانی، ۱۱ مورد از ۱۲ پژوهش، مربوط به نظریه آنومی اجتماعی دورکیم و مرتون می‌باشد. به عبارت دیگر در اکثریت قریب به اتفاق این

انحراف اجتماعی جوانان در آیین پژوهش‌ها

پژوهش‌ها نه تنها در فصل مربوط به چارچوب نظری تحقیق از نظریه آنومی اجتماعی و نظریه‌پردازان آن (دورکیم و مرتون) نام برده شده است، بلکه در واقع از متغیرهایی استفاده شده که با نظریه مزبور یا آراء اندیشمندان یاد شده سنخیت داشته است. در مرتبه دوم، در رویکرد کارکردی - ساختاری، نظریه کنترل اجتماعی با فراوانی ۸ مورد جای می‌گیرد، یعنی آراء نظریه‌پردازانی مانند رلکس، هیرشی و نی (بنگرید به به نمودار شماره ۲). سایر نظریه‌های این رویکرد، خرده‌فرهنگی و فرصت‌های متفاوت به ترتیب ۴ مورد و ۳ مورد، نظریه بوم‌شناختی تنها با ۱ مورد استفاده، عملاً کمتر مورد توجه پژوهشگران حوزه آسیب‌شناسی و رفتار انحرافی جوانان قرار گرفته‌اند. هر چند در فصول تئوریک این کارها به نظریه‌های آن‌ها اشاره شده است. در رویکرد تعامل‌گرایی نمادی بیشترین توجه به نظریه معاشرت‌های ترجیحی یا متفاوت ساترلند بوده است (۱۰ مورد از ۱۲ کار). نظریه خنثی‌سازی و ارزش‌های نهانی ماترا دارای ۲ مورد فراوانی و نظریه برجسب‌زنی فاقد هرگونه متغیر تئوریک استفاده شده در پژوهش‌های برگزیده بوده است.

در رویکرد تضادگرا نیز اکثر نظریه‌ها و نظریه‌پردازان عملاً جایی در متغیرهای بررسی شده یا تأیید شده نداشته‌اند. بیشترین فراوانی در این رویکرد آن هم برحسب تفسیر موسع، مربوط به نظریه کنترل - قدرت هاگان (متغیر موقعیت اجتماعی یا طبقاتی فرد ۷ مورد) و نظریه بانگر (متغیر جنس و شرایط اجتماعی مقارن با آن ۴ مورد) می‌باشد.

بنابر این نظریه‌هایی که بیشترین استفاده از آن‌ها به عمل آمده است، به ترتیب نظریه آنومی اجتماعی دورکیم و مرتون ۱۱ مورد، نظریه معاشرت‌های متفاوت ساترلند ۱۰ مورد، کنترل اجتماعی هیرشی، رلکس و نی ۷ مورد و به طور غیرمستقیم نظریه کنترل هاگان ۷ مورد می‌باشند.



نمودار شماره ۲. رویکردهای جامعه‌شناختی مورد استفاده (تأیید شده) در پژوهش‌های برگزیده برحسب فراوانی

۳- متغیرهای تئوریک برحسب بیشترین مورد استفاده در ۱۲ پژوهش برگزیده که می‌توانند نشان‌دهنده اولویت عوامل مرتبط با بزهکاری یا تأثیرگذار بر رفتار انحرافی باشند، به ترتیب عبارتند از:

عدم انطباق انگیزه‌های منبعث از فرهنگ (ارزش‌ها و اهداف) با امکانات ارضاء آن‌ها (هنجارها و وسایل نیل به اهداف) برحسب موقعیت و منزلت اجتماعی فرد (۸ مورد)، معاشرت با افراد ناهمنوا برحسب سن، فراوانی، طول مدت و شدت تماس‌ها (۸ مورد)، کنترل‌های درونی (شخصی) و بیرونی (اجتماعی) (۷ مورد)، آنومی اجتماعی: ضعف و گسیختگی چارچوب‌های ادغام اجتماعی در نهادها و گروه‌های اجتماعی‌کننده (خانواده، گروه‌های شغلی، مذهبی، تحصیلی و دوستان) (۷ مورد)، نوع و میزان کنترل اجتماعی اعمال شده از سوی خانواده و مدرسه (۷ مورد)، قرار داشتن در معرض مناسبات، فرایند اجتماعی شدن و یادگیری اجتماعی مساعد با بزهکاری در خانواده، گروه دوستان و محیط پیرامون فرد (۷ مورد)، ضعف مکانیزم‌های کنترل شخصی (عزت نفس، خودپنداره و...) و اجتماعی (تعلق به سازمان‌ها و نهادهایی چون خانواده، مدرسه، دین و...) (۶ مورد)، موقعیت اجتماعی (۶ مورد)، سبک یا شیوه تربیتی و اجتماعی کردن خانواده (۵ مورد) (بنگرید به نمودار شماره ۳).

با ملاحظه متغیرهای فوق‌الذکر تکرار و ترتیب آن‌ها در پژوهش‌های برگزیده درمی‌یابیم که اولاً در کل، سهم عامل «ارتباط و معاشرت با دوستان ناهمنوا» و برخی از مهم‌ترین متغیرهای

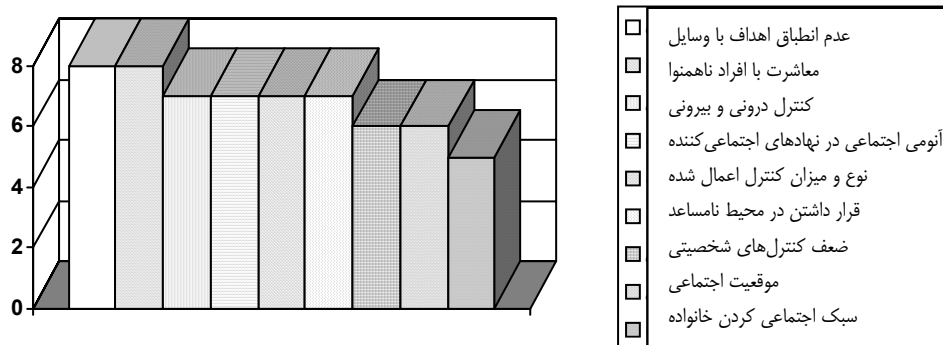
انحراف اجتماعی جوانان در آیین پژوهش‌ها

خانوادگی، مانند پایگاه اقتصادی - اجتماعی، نوع و میزان کنترل، نظارت و رسیدگی و انسجام یا گسیختگی خانواده همچنان در صدر عوامل تأثیرگذار بر رفتار انحراف نوجوانان و جوانان می‌باشد.

همچنین، در متغیرهای تئوریک که حائز بیشترین فراوانی‌ها شده‌اند، مقوله کنترل اجتماعی درونی و بیرونی یا میزان علائق و روابط، تقیدها و تعهدهای اجتماعی و اعتقادی افراد در جامعه که همگی یادآور مفاد نظریه کنترل اجتماعی هیرشی و دیگران و ریشه‌های دورکیمی آن در نظریه آنومی اجتماعی می‌باشند، به طور مشخص دیده می‌شوند. تا اینجا می‌توان گفت که معاشرت با دوستان ناهمنوا، در معرض فرایند اجتماعی شدن ناهمنوا بودن، متأثر بودن از برخی ابعاد خانواده و نوع یا میزان کنترل‌های درونی و بیرونی فرد، به عنوان متغیرهای واقع در سطح تحلیل میانی و موقعیتی، تبیین کننده رفتار انحرافی توانسته‌اند از جایگاه قابل توجهی در پژوهش‌های حوزه انحرافات اجتماعی نوجوانان و جوانان برخوردار شوند و بر همین اساس شایسته هرگونه توجه می‌باشند. ثانیاً، نخستین متغیر پرتکرار و پرتأیید یعنی «عدم انطباق انگیزه‌های منبعث از فرهنگ (ارزش‌ها و اهداف) با امکانات ارضاء آن‌ها (هنجارها و وسایل نیل به اهداف) برحسب موقعیت و منزلت اجتماعی فرد» با فراوانی ۸ مورد کار، متناظر با متغیر «موقعیت اجتماعی یا طبقاتی نوجوانان» (با فراوانی ۷ مورد) که برحسب وضعیت خانوادگی آن‌ها سنجیده شده است، متغیری ساختاری و واقع در سطح تحلیل کلان می‌باشد؛ که اگر چه در مواردی تماماً یا بعضاً از حیث ضرایب همبستگی رابطه شدیدی را با رفتار انحرافی نشان نمی‌دهد، لیکن کم و بیش به طور مداوم، حضور و تأثیر آن به ویژه در فاصله دورتر و بنیادی تری نسبت به وقوع بزهکاری و جرم حس می‌شود. مفاد تئوریک دو متغیر فوق‌الذکر به همراه متغیر «آنومی اجتماعی: ضعف و گسیختگی چارچوب‌های ادغام اجتماعی در نهادها و گروه‌های اجتماعی کننده (خانواده، گروه‌های شغلی، مذهبی، تحصیلی و دوستان)» که حائز رتبه سوم شده است، یادآور اهمیت و جایگاه نظریه‌های ساختاری (آنومی اجتماعی دورکیم، فشارهای ساختاری مرتون) و حتی مفروضات نظریه رویکرد تضادگرا در زمینه‌سازی بنیادین رفتارهای انحرافی و شیوع آن‌ها در جامعه می‌باشد. ثالثاً، متغیر «ارتباط و معاشرت با دوستان ناهمنوا»، با همه ابعاد و خصوصیات آن با فراوانی ۸ مورد، متناظر با متغیر «قرار داشتن در معرض مناسبات، فرایند اجتماعی شدن و یادگیری اجتماعی مساعد با بزهکاری در خانواده،

گروه دوستان و محیط پیرامون فرد» با فراوانی ۷ مورد، به عنوان علت قریب در شکل‌گیری کجروی اجتماعی، باید همواره مورد توجه محققان و دست‌اندرکاران مسائل جوانان و نوجوانان قرار گیرد. همچنین متغیرهای مزبور از حیث تکرار و به خصوص شدت تأثیرگذاری براساس وزن شاخص بتا در معادله‌های رگرسیون (برحسب آنچه خواهد آمد)، حائز اهمیت بسیار می‌باشند.

در مرحله بعد خواهیم دید که براساس نتایج رگرسیونی و مدل‌های نهایی پژوهش‌ها چه متغیرهایی به طور آماری و محاسباتی از وزن تأثیر بیشتری برخوردار بوده یا در اولویت تأثیرگذاری قرار گرفته‌اند. همچنین درباره معنای نظری مفهوم اولویت و ترتیب متغیرها براساس وزن‌های بتا در معادله رگرسیون سخن خواهیم گفت.



نمودار شماره ۳. متغیرهای تئوریک مورد استفاده (تأیید شده) در پژوهش‌های برگزیده برحسب فراوانی

ج - تعیین اولویت متغیرهای مرتبط با بزهکاری نوجوانان براساس مدل‌های نظری و نتایج رگرسیونی پژوهش‌های مورد بررسی.

این ملاک که همچون معیار پیشین مبتنی بر داده‌های تجربی تحقیقات برگزیده است، به نحو تحلیلی‌تری در چارچوب پژوهش‌های مورد بررسی می‌تواند اولویت علل مؤثر یا متغیرهای مرتبط با رفتار انحرافی را نشان دهد.

براساس داده‌های نهایی، در چند مورد از پژوهش‌هایی که از تحلیل رگرسیونی استفاده کرده‌اند، اولویت علل و متغیرها به ترتیب زیر به دست آمده است:

انحراف اجتماعی جوانان در آیین پژوهش‌ها

۱- در ۳ مورد از ۵ پژوهش، متغیری که بیشترین وزن بتا و تأثیرگذاری را بر رفتار انحرافی، داشته و در رتبه اول ذکر شده است، متغیر ارتباط، تماس و معاشرت با دوستان کجرو، بزهکار و منحرف می‌باشد. همچنین برخی متغیرهای دیگر نشان‌دهنده تأثیر ارتباط با دوستان بزهکار که در معادله رگرسیون مؤثر و معنادار بوده‌اند، به چشم می‌خورد؛ مانند، زمان صرف شده با دوستان در خیابان و پارک.

۲- در ۲ مورد دیگر از کارها، نخستین متغیرها به ترتیب رفتارها و باورهای ضداجتماعی و عوامل خانوادگی هستند. این دو متغیر به همراه برخی از متغیرهای باقیمانده در معادلات رگرسیونی مانند عدم نظارت کافی والدین بر فرزندان و روابط نامساعد خانوادگی؛ میزان تعلق به خانواده و مدرسه؛ تعلق به باورها و قواعد جمعی؛ اعتقاد و اطمینان به وجود خدا؛ میزان مذهبی بودن والدین؛ الگوی رفتار تربیتی مستبد؛ بی‌توجهی و غفلت والدین از نیازها و خواسته‌های فرزندان؛ تعداد دستگیر شده‌ها از میان اعضای خانواده؛ کارکردن در تابستان به منظور کسب درآمد (به علت نیاز مالی و در نتیجه قرار گرفتن در معرض روابط ناسالم محیط‌های کار)، نشان‌دهنده اهمیت خانواده و مقوله کنترل اجتماعی نوجوانان و جوانان می‌باشد. به عبارت دیگر، متغیرهایی که نشان‌دهنده نوع و میزان کنترل اجتماعی، علائق و روابط اجتماعی نوجوانان، میزان تعهد، مشغولیت، باورها و گرایش‌های مذهبی، اخلاقی و اجتماعی آن‌هاست، از اهمیت تجربی و نظری قابل توجهی برخوردارند. این متغیرها نیز بعضاً به عنوان متغیرهای واقع در سطوح تحلیل متوسط و خرد (خودپنداره، عزت‌نفس و منبع کنترل درونی و بیرونی) یا موقعیتی و فردی و در مواردی به عنوان نشان‌دهنده میزان وضعیت آنومیک در کل جامعه یعنی متغیر سطح کلان نقش ایفا می‌کنند و بر همین اساس قابل تحلیل هستند.

۳- چنانچه خواهیم دید، می‌توان فرض کرد که عوامل و فشارهای ساختاری مانند موقعیت طبقاتی خانواده یا پایگاه اقتصادی و اجتماعی افراد، شرایط آنومیک در جامعه و چارچوب‌های ادغام اجتماعی، از یکسو باعث ضعف مکانیزم‌های کنترل اجتماعی بیرونی و درونی شده و از سوی دیگر به تشدید ارتباط نوجوانان با دوستان و همسالان ناهمنوا و بزهکار منجر گردد. به این ترتیب، پیوند با همسالان کجرو در شرایط ضعف کنترل‌های اعتقادی، روان‌شناختی و جامعه‌شناختی لازم برای افراد جوان و به خصوص وجود زمینه‌های مساعد انگیزشی برای دست

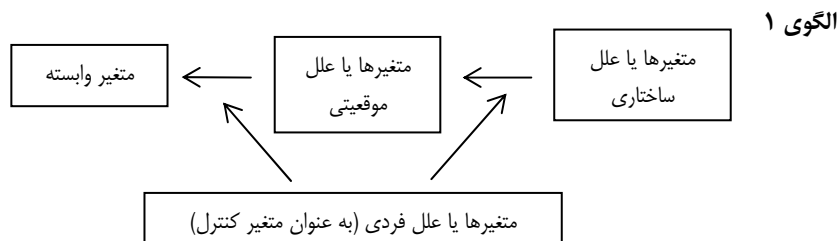
زدن به اعمال خلافکارانه در میان آن‌ها، زمینه‌ساز و مشوق رفتار انحرافی و بزهکاری نوجوان خواهد بود.

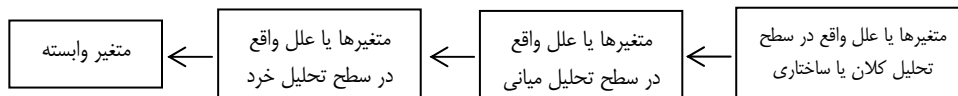
اگرچه، تحلیل ارائه شده، منطبق بر مجموع، مواضع تئوریک رویکردها و نظریه‌های مختلف انحراف اجتماعی نیست، دست کم به شهادت پژوهش‌های بررسی شده در این بخش، نماینده بخش اعظم آن‌هاست یا این که حداقل می‌توان گفت از بررسی تحقیقات برگزیده در این کار، این نتیجه‌گیری، معقول و مستدل به نظر می‌آید.

۴- عوامل واقع در سطح تحلیل میانی و موقعیتی که نشان‌دهنده زمینه‌ها و شرایط بلافصل وقوع رفتار انحرافی هستند، معمولاً بیشترین فراوانی یا بالاترین وزن‌های بتا را به خود اختصاص می‌دهند. لیکن، این بدان معنا نیست که متغیرها و عوامل ساختاری و واقع در سطح تحلیل کلان و به همین ترتیب متغیرهای فردی یا سطح خرد در بروز بزهکاری و جرم مداخله ندارند، بلکه در حقیقت علائم آماری گفته شده بیانگر جایگاه عوامل موقعیتی در بروز رفتار انحرافی به‌عنوان علت قریب این پدیده می‌باشند.

د - تعیین اولویت علل و متغیرها برحسب مباحث نظری

منظور از این ملاک آن است که با مرور تئوری‌های تبیین‌کننده رفتار انحرافی نشان داده شود که کدام علل و متغیرها، بنیادی‌تر، زیربنایی‌تر و مقدم می‌باشند. به عبارت دیگر، مشخص شود که رفتار انحرافی و بزهکاری از دور به نزدیک یا بالعکس تحت تأثیر چه عواملی است و در این میان ترتیب قرار گرفتن علت‌ها و متغیرهای مستقل نسبت به متغیر وابسته چگونه است. بر این اساس می‌توان به طور کلی اظهار داشت که ترتیب قرار گرفتن متغیرها احتمالاً به صورت‌های زیر می‌باشند. هرچند باید از پیش پذیرفت که با وجود روابط بسیار پیچیده متغیرهای سطوح مختلف برحسب شرایط گوناگون اجتماعی، ارائه الگوی کلی تبیین‌کننده وضعیت و نسبت متغیرها تنها با قدری ساده‌سازی و تسامح امکان‌پذیر است.





توضیح این که متغیرهای واقع در سطوح مختلف همواره ثابت و لایتغیر نیستند. بلکه ممکن است، در مقایسه با هم، سطح تحلیل و موقعیت‌شان تعیین شود. به طور کل شاید بتوان گفت همواره متغیرهای زیست‌شناختی و اغلب، متغیرهای روان‌شناختی در سطح فردی یا خرد تحلیل قرار دارند و هنگامی که متغیرها از زاویه تئوری‌های جامعه‌شناختی بررسی می‌شوند به دلیل معنای اجتماعی و تقارن آن‌ها با اوضاع و احوال اجتماعی، اغلب در سطوح میانی و کلان تحلیل جای می‌گیرند. مگر در مقایسه با سایر متغیرها که در آن صورت، ممکن است در سطح مشاهده یا تحلیل فردی و خرد به آن‌ها نگرسته شود.

۲-۲-۳- جنسیت و رفتار انحرافی

تقریباً در همه انواع کجروی، بزهکاری و جرم، پسران بیش از دختران مرتکب رفتار انحرافی شده‌اند. هرچند، گاه فاصله میان آن‌ها برحسب نوع خاصی از رفتار انحرافی کمتر یا بیشتر می‌شود، لیکن می‌توان گفت، نتیجه‌گیری فوق‌الذکر مبنی بر اندک بودن میزان رفتار انحرافی و جرایم نزد دختران و نسبت بیشتر وقوع انواع کجرفتاری‌ها و بزهکاری‌ها را نزد نوجوانان و جوانان پسر و برحسب پژوهش‌های دیگر نزد مردان در مقایسه با زنان مورد تأیید قرار داد. در موارد نادری همچون در مقابل حرف پدر و مادر ایستادن و ایجاد مزاحمت تلفنی برای دیگران تفاوت چندانی میان افراد دو جنس دیده نمی‌شود. به عبارت دیگر بین متغیر جنس و کجرفتاری‌های مذکور رابطه معناداری مشاهده نشده است (نگاه کنید به سیدی، ۱۳۷۸: ۲۵۹).

در مجموع، در مواردی همچون خرابکاری (نوشتن بر روی میز و صندلی، شکستن شاخه‌های درختان و خراب کردن چمن‌ها و صندلی اتوبوس، کندن گوشی تلفن عمومی)، ناهم‌نوازی فرهنگی (اخطار گرفتن از مسئولین مدرسه و مأمورین انتظامی به خاطر عدم رعایت پوشش اسلامی و اخطار گرفتن از مسئولین مدرسه به خاطر عدم رعایت قوانین مدرسه)، پرخاشگری (دست به یقه شدن با معلم یا یکی از مسئولین مدرسه، زدن و مجروح کردن دیگران در حدی که نیاز به دکتر پیدا کنند، با مشت و لگد با دیگران دعوا کردن)، سیگار کشیدن، در

مقابل حرف معلم یا یکی از مسئولین مدرسه ایستادن، تقلب، کجروی اخلاقی (قماربازی، مشروب‌خواری، استفاده از سیگار و مواد مخدر)، کجروی جنسی (دوستی با جنس مخالف و داشتن پوشش و آرایش نامناسب)، نسبت و میزان افراد خلافکار در جمعیت پسران بیش از دختران می‌باشد.

تبیین نظری این پدیده (بیشتر بودن میزان وقوع یا احتمال وقوع انواع کجرفتاری‌ها و جرایم نزد پسران و مردان در مقایسه با دختران و زنان) می‌تواند برحسب نظریه کنترل قدرت هاگان صورت گیرد. به این معنا که رفتار کجروانه و انحرافی نتیجه وجود قدرت یا احتمال ریسک‌کردن و نبود نظارت و کنترل می‌باشد. از آنجایی که عموماً در اکثر جوامع به طور تاریخی مردان از منابع قدرت بیشتر در عین نظارت کمتر برخوردار بوده‌اند، احتمال ریسک‌پذیری و در نتیجه ارتکاب عمل بزهکارانه و انحراف یا بروز نوآوری‌های رفتاری در میان آن‌ها بیشتر بوده است.

در خصوص نسبت میان جنس و کجرفتاری‌های اخلاقی - اجتماعی در یکی از پژوهش‌های برگزیده به نتیجه‌گیری برمی‌خوریم که با روند کلی و مشترک پژوهش‌های دیگر متفاوت است. در تحقیق مزبور تحت عنوان «بررسی رابطه کجرفتاری‌های اخلاقی - اجتماعی دانش‌آموزان دوره متوسطه شهر اصفهان با عوامل آموزشی» آمده است: بیشترین تعداد دانش‌آموزان کجرو، دختر (۵۸/۵٪) بوده‌اند. براساس محاسبات آماری به عمل آمده، تفاوت معناداری بین متغیر جنس و فراوانی و نوع کجرفتاری وجود داشته است.

در حالی که می‌باید نوع مسئله تحقیق (کجروی‌های آموزشی)، حساس بودن مدارس دخترانه نسبت به نحوه سلوک دانش‌آموزان خود، پر حجم، متنوع و گسترده بودن هنجارهای مربوط به رفتار بهنجار یا نابهنجار دختران در کنار صراحت بیشتر آن‌ها، زمینه‌های مربوط به گذشت بیشتر در مدارس پسرانه یا مقاومت زیادتر آن‌ها برای مراجعه به مشاور، یا کمتر مفید و لازم دانستن این کار در این‌گونه مدارس و شدیدتر بودن سطح برخورد و تنش مسئولان مدارس دخترانه و ... را به عنوان برخی از عوامل تفاوت تعداد دانش‌آموزان مراجعه کرده یا ارجاع شده در دو جنس تلقی کرد.

همچنین در برخی از پژوهش‌های برگزیده به گزاره‌هایی نظیر موارد زیر برمی‌خوریم: در میان نمونه مورد بررسی در زندان اصفهان پسران و افراد مذکر به ترتیب بیشتر به خاطر جرایمی

انحراف اجتماعی جوانان در آیینة پژوهش‌ها

همچون سرقت، دعوا و ایراد ضرب و جرح، لواط، قتل، حمل، نگهداری، خرید و فروش و مصرف مواد مخدر، داشتن رابطه نامشروع با جنس مخالف، و دختران یا زنان به ترتیب بیشتر به علت انحرافات‌ی همچون داشتن رابطه نامشروع با جنس مخالف و عمل زنا، قتل، سرقت و دزدی دستگیر شده‌اند.

در این خصوص (تفاوت جرایم متناسب به پسران و دختران در زندان اصفهان برحسب فراوانی و اولویت آن‌ها) می‌توان گفت که این پدیده، بیشتر به کلیشه‌ها و برجسب‌های اجتماعی مبتنی بر زمینه‌های فرهنگی، فرایند جامعه‌پذیری و دسترسی به منابع قدرت و اختیار در مقابل میزان تحت نظارت بودن مربوط می‌شود. شایان ذکر است که برحسب پاره‌ای از دیدگاه‌ها به موازات تغییر نقش جنسی زنان در جامعه جدید و افزایش حیطه اختیارات، قدرت و توانایی تصمیم‌گیری آن‌ها در عرصه‌های مختلف، ممکن است نسبت کج‌رفتاری‌های واقع شده و احتمال بروز رفتارهای انحرافی نزد دختران و زنان سیر رو به افزایشی داشته باشد.

در نهایت باید گفت، نتایج حاصل از پژوهش‌های بررسی شده در این فصل با داده‌های نظری و تجربی تبیین‌کننده رابطه جنسیت و رفتار انحرافی انطباق چشمگیری دارد. برای اثبات این موضوع بهتر است، به مطالبی که آنتونی گیدنز در فصل پنجم مبحث "جنسیت و جرم" کتاب خود تحت عنوان «جامعه‌شناسی» آورده است، توجه نماییم. وی می‌گوید:

«مانند حوزه‌های دیگر جامعه‌شناسی، مطالعات جرم‌شناسی به طور سنتی نیمی از جمعیت را نادیده گرفته‌اند. بسیاری از کتاب‌های درسی در رشته جرم‌شناسی هنوز تقریباً هیچ چیزی درباره زنان ندارند، مگر بخش‌هایی پیرامون تجاوز به عنف و فحشا و بیشتر نظریه‌های کجروی به همین نحو زنان را تقریباً به طور کامل مورد بی‌اعتنایی قرار داده‌اند. یک نمونه، گزارش مرتون از ساخت اجتماعی و بی‌هنجاری می‌باشد. فرض شده است که "فشار برای موفق شدن" تقریباً به هر کسی در جوامع امروزی می‌رسد. بنابراین، به طور منطقی می‌توان استدلال کرد که زنان باید در مقوله‌های گوناگون کجروی که توسط مرتون مشخص گردیده‌اند، بیشتر از مردان فعال باشند، از جمله جنایت، زیرا فرصت‌هایی که برای پیشرفت در برابر زنان وجود دارد، کمتر از مردان است. با وجود این میزان تبهکاری زنان به طور استثنایی اندک بوده یا به نظر می‌رسد که اندک باشد. حتی اگر زنان به دلیلی کمتر از مردان مستعد شرکت در فعالیت‌های کجروانه باشند، به هیچ وجه دلیلی وجود ندارد که آن‌ها را به کلی نادیده انگاریم.»

آمار مربوط به جنسیت و جرم تکان دهنده است. برای مثال عدم توازن بسیار زیادی در نسبت مردان و زنان زندانی در همه کشورهای صنعتی وجود دارد. به طور مثال زنان تنها حدود ۵.۳٪ جمعیت زندانهای بریتانیا را تشکیل می‌دهند. همچنین تفاوت‌های نمایان میان انواع جرایمی که مردان و زنان مرتکب می‌شوند، حداقل آن‌گونه که در آمار رسمی نشان داده شده است، وجود دارد. جرایم زنان به ندرت متضمن خشونت بوده و تقریباً همه کوچک هستند. سرقت‌های کوچک مانند بلند کردن جنس از فروشگاه‌ها و تخلفات مربوط به برهم زدن نظم عمومی مانند مستی در ملاء عام^۱ و فحشا، نمونه جرایم زنانه هستند.

بدیهی است، امکان دارد، تفاوت واقعی در میزان جرم برحسب جنسیت کمتر از آن باشد که آمار نشان می‌دهد. شاید پلیس و مقامات دیگر، متخلفان زن را کمتر از مردان خطرناک می‌دانند و برای مثال فعالیت‌هایی را که به خاطر آن مردان دستگیر می‌شوند در مورد زنان نادیده می‌گیرند (گیدنز، ۱۳۷۳: ۱۵۴).

گیدنز در جمع‌بندی و ارزیابی خود نسبت به مباحث و پژوهش‌های مرتبط با جنسیت و خشونت اظهار می‌دارد:

«مطالعات نشان می‌دهند که باید در مورد این فرض که خشونت منحصراً از ویژگی‌های تبهکاران مرد است، محتاط باشیم. زنان ممکن است خیلی کمتر از مردان در جرایم خشن شرکت کنند، اما همیشه از شرکت در ماجراهای خشن بازداشته نمی‌شوند. بنابر این، چرا میزان تبهکاری زنان تا این اندازه کمتر از مردان است؟ دلایل آن تقریباً به طور مسلم همان دلایلی است که اختلافات مربوط به جنسیت در حوزه‌های دیگر را تبیین می‌کنند. بدیهی است، برخی جرایم زنانه به خصوصی وجود دارند (از همه قابل ملاحظه‌تر، فحشا) که به خاطر آن‌ها زنان محکوم می‌شوند و حال آن که مشتریان مرد آن‌ها محکوم نمی‌شوند. مردانه بودن جرایم مردان به علت تفاوت در اجتماعی شدن است و نیز به خاطر این واقعیت که فعالیت‌ها و اشتغالات مردان هنوز بیشتر از اکثر زنان، فعالیت‌ها و اشتغالات غیرخانگی است.

۱. این نوع خاص از رفتار انحرافی یا جرم در بیان گیدنز احتمالاً بیشتر ناظر بر وضعیت زنان در جوامع صنعتی است.

تفاوت از نظر جنس در زمینه جرم و جنایت، اغلب در گذشته با اختلافات ذاتی زیست‌شناختی یا روان‌شناختی برحسب اختلاف در نیروی بدنی، حالت انفعالی یا اشتغال به تولید نسل تبیین می‌گردید. امروزه، تا اندازه زیادی ویژگی‌های زنانه و مردانه را ناشی از عوامل اجتماعی می‌دانند. بسیاری از زنان، اجتماعی می‌شوند تا ویژگی‌هایی را که با ویژگی‌های مردان متفاوت است، ارزشمند بدانند (مانند مراقبت از دیگران و توسعه روابط شخصی). با این که نسبت بالایی از زنان اکنون در نیروی کار هستند، اکثر آن‌ها بخش بسیار زیادتری از زندگی خود را در محیط‌های خانوادگی می‌گذرانند تا مردان. در محیط خانوادگی، فرصت و انگیزه برای بیشتر اشکال فعالیت‌های تبهکارانه کمتر از محیط‌های عمومی است که مردان غالباً در آن‌ها رفت و آمد می‌کنند.

اکنون که به تدریج تقسیمات جنسی از آن چه زمانی بودند، کم رنگ‌تر می‌شوند، دشوار است که با قاطعیت بگوییم آیا میزان جرایم و الگوهای جرایم زنان به گونه فزاینده‌ای شبیه مردان خواهند شد یا نه؟ از اواخر قرن نوزدهم تاکنون جرم‌شناسان پیش‌بینی کرده‌اند که برابری جنسی، اختلافات در زمینه تبهکاری میان مردان و زنان را کاهش داده یا از میان خواهد برد. اما تاکنون این اختلافات همچنان برجسته باقی مانده‌اند. هنوز نمی‌توانیم با قاطعیت بگوییم که آیا روزی اختلافات در میزان جرایم زنان و مردان از میان خواهد رفت یا نه (گیلدنز، ۱۳۷۳: ۱۵۸-۱۵۷).

در نهایت شاید بتوان این‌گونه نتیجه گرفت که میزان جرایم زنان به موازات آزادی‌های اجتماعی بیشتر آن‌ها و کسب فرصت‌های اعمال قدرت یا ریسک‌پذیری اجتماعی نسبت به گذشته، بیشتر و نوع الگوهای آن‌ها متنوع‌تر خواهد شد. هر چند، همچنان فاصله میان زنان و مردان از حیث میزان و نوع جرایم ارتكابی زیاد خواهد بود.

منابع

- احمدی، حبیب (۱۳۷۷) نظریه‌های انحرافات اجتماعی، شیراز: رز.
- استارک، اونی و همکارانش (۱۳۶۵) جامعه امروز، اقتباس فرهنگ کولایی، تهران: حلالی.
- استونز، راب (۱۳۷۹) متفکران بزرگ جامعه‌شناسی، ترجمه مهرداد میردامادی، تهران: مرکز.
- اشرف، احمد (۱۳۵۵) "آسیب‌شناسی اجتماعی"، تهران: دانشکده علوم اجتماعی و تعاون.

- بیکر، ترزال (۱۳۷۷) نحوه انجام تحقیقات اجتماعی، ترجمه هوشنگ نایی: تهران، روش.
- توسلی، غلامعباس (۱۳۶۹) نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران: سمت.
- دورکیم، امیل (۱۳۴۳) قواعد روش جامعه‌شناسی، ترجمه علی محمد کاردان، چاپ اول، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات دانشگاه تهران.
- رابرتسون، یان (۱۳۷۲) درآمدی بر جامعه، ترجمه حسین بهروان، مشهد: آستان قدس رضوی.
- روشه، گی (۱۳۶۷) مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی عمومی، جلد اول کنش اجتماعی، ترجمه هما زنجانی‌زاده، مشهد: دانشگاه فردوسی.
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۸) آنومی یا آشفتگی اجتماعی، تهران: انتشارات صدا و سیما جمهوری اسلامی.
- ریتزر، جورج (۱۳۷۴) نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
- صدیق سروستانی، رحمت‌ا... (۱۳۸۵) آسیب‌شناسی اجتماعی - جامعه‌شناسی انحرافات، تهران: آن.
- صفوی، امان‌ا... (۱۳۷۹) تئوری‌های انحراف، تهران: معاصر.
- کوئن، بروس (۱۳۷۰) درآمدی بر جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: فرهنگ معاصر.
- کی‌نیا، مهدی (۱۳۷۰) مبانی جرم‌شناسی جلد اول و دوم، تهران: دانشگاه تهران.
- گسن، ریموند (۱۳۷۰) مقدمه‌ای بر جرم‌شناسی، ترجمه مهدی کی‌نیا، تهران: انتشارات مترجم.
- گلچین، مسعود (۱۳۸۱) "انحراف اجتماعی جوانان در آینه پژوهش‌ها" (تحلیل ثانوی نمونه‌های منتخبی از پژوهش‌های انجام شده در حوزه آسیب‌شناسی اجتماعی جوانان، مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه‌ای صدا و سیما
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۳) جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نی.
- لاور، رابرت (۱۳۷۳) دیدگاه‌هایی درباره دگرگونی اجتماعی، ترجمه کاووس سیدامامی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- مساواتی‌آذر، مجید (۱۳۷۴) آسیب‌شناسی اجتماعی ایران، تهران: نوبل.
- مور، استیفن و سینگر استیفن . پ (۱۳۷۶) دیباچه‌ای بر جامعه‌شناسی، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، تهران: ققنوس.

Givvons, D.c (1992) Society, Craim & Crimmlal Behavior, United Hall Inc.

Hagan, J (1994) Crime & Disrepute U.S.A, Pine Froge Press.

Haralambos, M (1984) Sociology, Themes & Perspective, University, Tutorial
press limited.

Miller, W (1980) Gang, Group & Serious Youth Crime, Critical Sociology.